

رسانه

حفره عمیق بین ۲ نسل روزنامه‌نگار



پژمان موسوی

● سخت است؛ گاهی چیزی می‌نویسی که تقریباً خودت هم باور داری هیچ تغییری در مناسبات دنیای واقعی ایجاد نخواهد کرد، اما عجیب اینجاست که دست از تلاش بر نمی‌داری؛ شاید چون امید داری هنوز هم یک جاهایی یک چیزهایی ممکن است تغییر کند. می‌دانید، خیلی چیزها را نمی‌توان نگه داشت، مثل زمان، مثل آدم‌ها؛ می‌روند، سر می‌خورند و در هزارتوی تاریخ گم می‌شوند. حتی اگر تمام تلاشت را هم بکنی نمی‌توانی نگهشان داری. یا اصلاً یک بخش‌هایی از آن را دوباره برگردانی، زنده کنی، متوقف کنی یا تغییرش دهی. باید بنشیني به تماشا؛ یعنی اگر بخت یارت باشد چیزهایی را به چشم خودت ببینی و اگر نه، همه عمر حسرت زندگی در آن دوران را داشته باشی. اما یک چیزهایی را هم می‌توان نگه داشت و زنده‌اش کرد. حتی می‌توان شبیه‌سازی و تکرارش کرد. مثل کاغذ، مثل روزنامه، مثل قلم، مثل نوشتن، مثل کارکردن کنار نسل دود چراغ‌خورده... شاید هیچ‌وقت جای آن وقت‌ها، آن روزها و آن آدم‌ها را نگیری اما راه خوبی است برای یادآوری؛ یعنی می‌خواهم بگویم حسرت‌خوردن برای چیزهای ازدست‌رفته بی‌برگشت خفت‌بار است، اما یادآوری نه. مثلاً چه می‌شد اگر هر تحریریه یک «بزرگ» داشت؟ یکی از همان نسل دود چراغ‌خورده‌ها. همین موضوع هم بود که آن را چند روز قبل در همین روزنامه «شرق» نوشتم و تقریباً باور نداشتم تغییری در مناسبات دنیای واقعی ایجاد کند. اما همان امیدی که به همه‌جا می‌برد ما را، مرا واداشت جنبه‌ای دیگر.



بسیاری، آموزش آکادمیک صرف را مانع بزرگی بر سر راه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای می‌دانند. اینکه بسیاری از استادان دانشگاه فقط به انتقال آموزش‌های تئوریک روزنامه‌نگاری بسنده می‌کنند و اصولاً کاری به انتقال مهارت‌های خاص این حرفه به روزنامه‌نگاران نسل جدید ندارند. نگاهی به بهترین دوره‌های آموزشی روزنامه‌نگاری ایران در آکادمی و آکادمی موازی مؤید این موضوع است که معمولاً کسی که وظیفه تدریس را برعهده می‌گیرد، یک مدرس یا پژوهشگر ارتباطات است و حرفه او تدریس و تحقیق و عموماً هم او فردی است که این کار را بهتر از یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای انجام می‌دهد، اما نباید از این نکته غافل شد که بخش بزرگی از حرفه روزنامه‌نگاری، مهارت است و مهارت را نمی‌توان با آموزش صرف تئوریک منتقل کرد.

به همین دلیل نیز بسیاری از دوره‌های آموزش روزنامه‌نگاری در جهان، از حرفه‌ای‌های رسانه در طول دوره دعوت می‌کنند که تجربه‌ها و مهارت‌هایشان را در اختیار دانش‌آموختگان قرار دهند و معمولاً ارزش دوره‌ها نیز با میزان تجارب منتقل‌شده در همین جلسات خاص است که سنجیده می‌شود. اما با مرور بر تولد رشته ارتباطات در ایران به این نتیجه می‌رسیم که گاه فاصله و حفره‌ای عمیق بین تجربیات روزنامه‌نگاری عملی و نظام‌های رسمی آموزش ارتباطات در کشور ما پدید آمده است و این مشکل هم از آنجا ناشی می‌شود که بین حرفه‌ای‌های این رشته و مدرسان و محققان حوزه رسانه ارتباط و تعامل درستی شکل نگرفته است و این موضوع مشکلاتی را بر سر راه روزنامه‌نگاران نسل جدید پدید آورده است.

چاره کار چیست؟ دست روی دست گذاشتن و حسرت‌خوردن؟ اگر نمی‌توان سرفصل‌های آکادمی‌های علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری را اصلاح کرد، تحریریه‌ها که در اختیار ماست! آنجا را که می‌توان به فضایی برای انتقال تجربه بدل کرد. پس چرا دست روی دست گذاشته‌ایم؟ چرا تمام این تجربیات در خانه مانده را رها کرده‌ایم و اجازه می‌دهیم آن همه شور و شعور روزنامه‌نگارانه در گوشه‌های هرز رود؟ مگر این ماجرا دو سر ندارد؟ یک سر تحریریه‌های بدون «بزرگ» و یک سر دیگر هم بزرگان دور از تحریریه؟ بُرگردن این شکاف کار سختی است؟ ما نبوده‌ایم و ندیده‌ایم این روزهای پرخاطره و مخاطره را. آن رفت و آمدهای انسان‌های قلم‌به‌دستی را که یک تارِ موی سیرشان می‌ارزید به یک شهر، ندیده‌ایم همیشه استرس داشتن‌ها، نبودن‌ها، دغدغه مردم داشتن‌ها و... نبوده‌ایم، اکنون که اما هستیم و کم هم نیستند زامانداگانی از همان نسل پرافتخار. پس به خودمان بباییم و این‌بار از خودمان شروع کنیم، هر کس به قدر خود...

شرق روزنامه

یکشنبه ۱۵ دی ۱۳۹۸ • ۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ • ۵ ژانویه ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۶۱۵ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۰۹ • اذان مغرب ۱۷:۲۵ • اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۵

روزنفرها



مهدی معتضدیان (دیان)

کارتون خواب



روایت

چند در مانگاه، چند پزشک



رضا بیات‌موحد*

با کریمان کارها دشوار نیست. همه انسان‌ها بسیج سفردن و توشه این سفر جز کردار و عمل نیک نشاید. خوشا به حال انسان‌هایی که راحت جان بندگان خدای را راحت خویش شمردندی. انسان‌هایی که گویی سوختن و چون شمع بزم افروختن را شعار زندگی خویش قرار داده‌اند و

گروهی دندان‌پزشکان نیکوکار هستند که در این مسیر قدم برداشته‌اند. برای آشنایی بیشتر و اشراف بر حوزه کاری این عزیزان گزارشی را به شکل داستان‌وار در ادامه برایتان روایت می‌کنم.

نباشد همی نیک و بد پایدار/ همان به که نیکی بود یادگار

قدم اول از آنجا آغاز شد که همکاران گران‌قدر دکتر شیرازی و دکتر امانی به وصیت مرحوم دکتر گودرزی وسایل مطب ایشان را جهت درمان کودکان فرودست مشغول به تحصیل در مجتمع آموزشی جعفری واقع در خیابان تختی (خانی‌آباد) مستقر کردند و این نهالی بود که تدریجاً پا گرفت. امروزه در این مدرسه یک مطب دندان‌پزشکی فعال قرار دارد که علاوه بر درمان رایگان طرح پالایش و توسعه بهداشت همگانی را بر اساس FDI قدراسیون جهانی دندان‌پزشکی ارائه می‌کند.

هدف گروه نیکوکاری درمان دندان‌پزشکی بیماراران خاص و کودکان نیازمند بود. در ادامه این حرکت مرکز دندان‌پزشکی رعد جهت درمان توان‌یابان جسمی و حرکتی با سه بونیت در خیابان جیحون خیابان شهید بهنود مورد بهره‌برداری قرار گرفت که امروزه مرکز درمانی بیماراران مبتلا به MS و همه توان‌یابان جسمی و حرکتی به‌طور رایگان است. از بزرگمهر حکیم پرسیدند که تو در دم واپسین سخی بگویی.

گفت: چه بگویم؟ که سخن بسیار است (ولی اگر بتوانی کاری نیکو کنی از آن دریغ مدار). مرکز سوم دندان‌پزشکان خَیر مرکز دندان‌پزشکی صرع بود که با یاری انجمن صرع و با دو بونیت امروز مرکز درمان بیماراران مبتلا به اپی‌لپسی و خانواده‌های این عزیزان هست. همکاران گران‌قدر می‌دانند که کار درمان بیماران جسمی و حرکتی و مبتلایان به صرع از معضلات جامعه دندان‌پزشکی است. با توفیق آشنایی با خانم ارشد بنیان‌گذار خانه خورشید تصمیم به احداث مرکز دندان‌پزشکی



عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه

اتودنیو داماسیو می‌گوید ما انسان‌ها ماشین‌های متفکری نیستیم که دارای احساس هم هستیم، بلکه ماشین‌های احساسی هستیم که فکر هم می‌کنیم. به عبارتی احساسات در ما انسان‌ها امری پیشینی است.

اولین احساس‌های مهم در انسان‌ها که موجب یادگیری و بقا می‌شود، ترس است. ترس، سریعاً هسته بادامک (امیکدال) مرتبط با مناطق تصمیم‌گیرنده و مجری مغز را به کار می‌گیرد و جایی برای تصمیمات عاقلانه نمی‌گذارد. به عبارت دیگر، ترس، واکنش‌های هیجانی سریع مغز نظیر خشم و خشونت را برمی‌انگیزاند و عقل و منطق را کور می‌کند.

استفاده از ترس به عنوان ابزاری سیاسی، شیوه‌ای قدیمی است که از دوران شکل‌گیری قبیله‌های انسانی متداول بوده است. در سیاست بازگشت به عادات قبیله‌ای اغلب از عامل ترس برای مرعوب‌کردن زیردستان یا دشمنان بهره گرفته می‌شود.

استفاده از ترس مهندسی‌شده سیاسی توسط سیاست‌مداران، اغلب با بزرگ‌نمایی غیرواقعی احتمال خطر تهدید از طرف دشمن

و تشدید تعصبات سوگیرانه و غیرمنطقی در مغز طرفداران‌شان صورت می‌گیرد. بزرگ‌نمایی غیرمتناسب احتمال خطر در پیوند با تقویت تعصبات خشک‌اندیشانه به نوبه خود، موجب افزایش ترس عمومی و اجتماعی می‌شود و به هیجانات بی‌پایه و نادرست دامن می‌زند. به این ترتیب، چرخه معیوب بین ترس ایجادشده از طرفی و تبلیغ توهم‌آلود از طرف دیگر به حیات خشم و خشونت در صحنه سیاسی تداوم می‌بخشد.

هر چقدر عامل تهدیدکننده و ایجادکننده ترس سیاسی، بزرگ‌تر، غیرقابل دسترس‌تر، هیولاتر، غیرقابل مصالحه‌تر، بی‌رحم‌تر جلوه داده شده، خشم و خشونت نسبت به آن رواتر و اجتناب‌ناپذیرتر می‌شود.

در سال گذشته نیز مانند سال‌های قبل شاهد تداوم سیاست‌های انقباضی و بیگانه‌ستیز در حاکمیت جهان سرمایه در آمریکا و اروپا بوده‌ایم. کسانی نظیر ترامپ، همچنان مردم آمریکا را از دشمنان فرضی خود ترسانده‌اند.

ترامپ، همچنان مردم آمریکا را از تهدید مهاجران توریست می‌ترساند، حتی اگر در سال‌های گذشته جرم و جانیستی نیز توسط اقلیت‌های مهاجر در خاک آمریکا صورت نگرفته باشد. او حتی نمایندگان اقلیت کنگره آمریکا را تهدید می‌کند که آنها را به زاده‌گاه‌های آبا و اجدادی‌شان برمی‌گرداند. او همچنان مهاجران را

یاد

سرشار از آزادگی بود



احمد میراحسان

برای هم سردار، هم حاج (یک لیبک تابناک حقیقی) قاسم سلیمانی، شعر بسراییم، حماسی، اندوهبار، عاشقانه، سوگنامه. مویه کنیم، خشم خود را فریاد کنیم و البته اطمینان داشته باشیم معبود مجلش، جمالی‌ترین فرجام را برای او فراهم کرد. او اکنون شاهد و گواه زیبایی ناب و سرمست‌کننده حقیقت ناب است. ما حق داریم بر خردمان برای این ازکف‌داگکی زاری کنیم. اما آن‌گاه که آرام‌تر شدیم باور کنیم خبر پنهان الهی تردیدناپذیر است. شرافتمندانه کمی هم ببیندشیم و از او در درسی بیاموزیم و به آن عمل کنیم. از خود پرسیم این فرمانده رزمنده، چرا این‌همه محبوب همگان بود جز دشمنان معاند حق متعال و حتی خصم معترف به انوار انکارناپذیرش بود. شاید برای آن محبوب بود که همان بود که می‌نمود. دروغ نبود. اگر نام عبد خدا بر خود نهاده بود سرپایش عبودیت و طاعت بود. جواری حرف نمی‌زد و طور دیگری نمی‌زیست. مال و مقام و نام... نمی‌خواست؛ خشودی خدایش را می‌خواست. شاید همین عشق بود که او را سرشار از عشق به انسان و مردم و مظلومان کرده بود. او سرشار از آزادگی بود که مرز نمی‌شناخت. در خدمت به مردم و مظلومان جهان خستگی نمی‌شناخت. شاید محبوبیتش برای خردش، یقین و مهرش بود یا شجاعتش و مجاهدت و خستگی‌ناپذیرش و توانایی‌های نبوغ‌آسایش؛ به خاطر همه اینها بود. آدم بود و آدم‌بودن بس دشوار است. این خوب است که او فرمانده باقی بماند. او را دفن نکنیم، او تازه زنده شده، متولد شده است. حالا بیش از هر زمانی خوب است به جای ستایش و فراموشی از بالا تا پایین از رئیس و وزیر و وکیل و قاضی و نظامی تا کارمند و کارگر ببندیشند. سلیمانی‌کشته‌ای برای دفن‌کردن و پرچمی برای بر خاک افتادن نیست، بلکه خود حقیقتی نگشتنی و الگویی برای زندگی است تا ما هم به عبودیت حق، به خرد، آزادگی،

درستی و راستی، شجاعت، مجاهده خستگی‌ناپذیر بگرویم. یقین کنیم مردم خیلی خوب تشخیص می‌دهند چه کسانی ظاهر و باطنشان یکی است و خدا او را محبوب می‌کند. روح خستگی‌ناپذیر سلیمانی محصول جانی پاکیزه بود. نبوغ نظامی-سیاسی او بدون فهم اهمیت ریشه تقوا، صدق، ایمان و عقل و در یک کلام عبودیتش نمی‌تواند محبوبیت و ادمیت او را تفسیر کند. آرامش او محصول همین عبودیت او بود.



پیشخوان



عرضه کرده است. او در این اثر، از مفهومی از عمل سیاسی دفاع می‌کند که استوار است بر مفاهیم خیر و شر، عدالت و بی‌عدالتی و حمله به انفعال سیاسی که معمولاً تجربه سیاسی رمانتیسیسم سیاسی است. این کتاب در اصل در ۱۹۱۹ منتشر شد اما متن پیش‌رو ترجمه ویرایش دوم در سال ۱۹۲۵ است که تجدیدنظر گسترده آن با افزودن پیشگفتاری جدید و مقاله نظریه سیاسی و رمانتیسیسم اشمیت انجام شد. نشست نقد و بررسی آن امروز در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در ساعت ۱۷ در سالن جلسات انجمن جامعه‌شناسی با حضور نیره توکلی (مترجم) و احمد سمیعی، اسدالله امرایی، نیما قاسمی و داریون صبوری برگزار می‌شود.

حوادث آبان در «بازخورد» یازدهم

● کار گیگ و پلتفرم‌هایی که مشاغل موقت، کم‌مزد و پیش‌پاافتاده را برای کاربران تسهیل می‌کنند، موضوع روی جلد شماره یازدهم مجله «بازخورد» است. این شماره بازخورد همچنین نگاهی داشته است به قطع‌شدن اینترنت که در پی ناآرامی‌های آبان و آذر امسال اتفاق افتاد. ابتلای گرتا تانبرگ به آب‌سیسم و تأثیر این عارضه در موفقیت او، ابداع کامپیوترهای کوانتومی و نیز گسترده‌شدن امپراتوری زبان انگلیسی در دنیای امروز از موضوعات شماره یازدهم بازخورد است. مشکلاتی که دی‌فیک برای روزنامه‌نگاران جهان پیش آورده هم از دیگر مطالب این شماره است. در این شماره مقاله‌ای منتشر شده که اشاره کرده



است به چند اثر از ادبیات معاصر ایران که خواند نشان برای روزنامه‌نگاران توصیه می‌شود. گزارشی نیز از دعات برخی روزنامه‌نگاران به پیاده‌نکردن نوار صاحب‌ه خود و گذاشتن این‌کار برعهده دیگران در این شماره منتشر شده است. فعالیت روزنامه‌نگاران ایرانی در توئیتز هم موضوع گزارشی دیگر است. در بخش نمونه کار، فعالیت سه خبرنگار آسوشیتدپرس شرح داده شده که جنگ یمن را پوشش داده و برنده پولیتزر ۲۰۱۹ شده‌اند. شماره جدید بازخورد در ۱۲ صفحه و با قیمت ۲۵ هزار تومان با مدیرمسئولی سعید ارکان‌زاده منتشر شده است.

رمانتیسم سیاسی

● امروز یکشنبه ۱۵ دی نشست نقد و بررسی کتاب «رمانتیسیسم سیاسی» نوشته کارل اشمیت با ترجمه نیره توکلی در دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار می‌شود. این کتاب پژوهشی تاریخی است که مانند دیگر آثار او، نقد سیاسی بنیادینی را